

# درس درختان سرو

فصلک

شماره ۲۵  
۲۷ آذر ماه

۱۴۰۰

دانشگاه  
بخوانیم

۴

صبا آن روز همراه مادرش به پارک رفت. مردم زیر سایه درخت‌ها نشسته بودند. صبا چشمش به چند باغبان پارک افتاد که سعی می‌کردند درخت سروی را از زمین بیرون بیاورند. درخت آنقدر ریشه‌هایش محکم بود که کارگران نتوانستند درش بیاورند. صبا به مادرش گفت: چه درخت محکمی، چرا می‌خواهند درش بیاورند؟ مادرش گفت: حتماً تنه درخت ترک خوردگی دارد یا آفت زده یا یک چیزی مثل این! دیدی چه قدر محکم و قوی است. او ادامه داد: درخت سرو است دیگر، درخت سرو در مقابل بلاهای طبیعی مثل باد، طوفان، باران و خشکسالی هیچ وقت کمرش خم نمی‌شود. می‌دانستی درخت سرو درختی است که در تمام روزهای سال برگ‌هایش سبز است. صبا با خنده گفت: برای همین بیشتر در پارک‌ها و فضاهای شهری کاشته می‌شود؛ چون همیشه سبز و زیباست. مادر لبخند زنان سر تکان داد و گفت: اگر خوب به قالی‌ها و فرش‌ها دقت کنی نقش درخت سرو را در آن‌ها می‌بینی. خیلی از شاعران مثل فردوسی در شعرهایشان از درخت سرو گفته‌اند. درخت سرو نشان ایستادگی، آزادگی، پایداری و سرافرازی است. درخت سرو یک درخت کاملاً فرهنگی است. صبا گفت: مثل شما که فرهنگی هستید. هر دو با هم خندیدند. صبا گفت: امروز از درخت سرو خیلی چیزهای خوب یاد گرفتم! این که در برابر سختی‌ها کمرم را خم نکنم و محکم، قوی و نترس باشم تا هیچکس نتواند ریشه‌ام را در بیاورد. یعنی هیچکس نتواند به من صدمه بزند.



نویسنده و تصویرگر: طاهره عرفانی

